

فرماندهی معظم کل قوا: «از بزرگ‌ترین فسادها، بی‌توجهی به شایستگی‌ها، صلاحیت‌ها و قابلیت‌های افراد و اعمال تبعیض است. نیروی انسانی مؤمن و کارآمد قیمتش از همه چیز بالاتر است.» (۱۳۹۴/۶/۲۵)

سیاست‌گذاری صنعتی جهت ارتقای قابلیت‌های صنایع دفاعی راهبردی

سیامک طهماسبی^۱، حسین اصلی‌پور^۲، حمیدرضا فرتوک‌زاده^۳ و علیرضا بوشهری^۴

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۲

چکیده

سیاست‌های صنعت دفاعی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های سیاست صنعتی کشورهاست و سیاست صنعتی، خود یکی از شاخه‌های سیاست عمومی محسوب می‌شود. سیاست صنعتی، شیوه‌های مختلف دخالت دولت در عرصه صنعت و فناوری است که به صورت هماهنگ شده و آگاهانه، برای پیشرفت در توسعه صنعتی اعمال می‌شود. در این بین ناهنجاری‌های رفتاری بخش صنعت در مجموعه اقتصاد کشور از دو حوزه متفاوت ناشی می‌شود. نخست از کندی مناسبات درونی و دوم از ناهماهنگی‌ها با اقتضائات محیط پیرامونی آن. این مقاله بر آن است تا راهنمایی برای سیاست‌گذاران صنعتی بوده و با انجام یک موردکاوی واقعی، سیاست‌های صنعتی آن‌را تشریح نماید. در این مسیر بر اساس یک الگوی مفهومی دو مرحله‌ای، ابتدا به ترسیم وضعیت مطلوب سیاست‌گذاری بر اساس آثار علمی پرداخته شده و در مرحله دوم سیاست‌های پیشنهادی برای سازمان‌های صنعتی فعال در عرصه دفاعی را ارائه کرده‌ایم که عبارتند از: «اتخاذ سیاست هسته و شبکه»، «ایجاد اتحاد راهبردی با صنایع همسوی داخلی و تحکیم پیوندهای حیاتی» و «نگاه پانفرمی (خانواده محصول) به مقوله طراحی و تولید محصولات و سامانه‌ها». منطق استفاده شده در این تحقیق «تحلیل داده‌بنیاد» بوده و از بین چهار رویکرد مختلف آن با توجه به اقتضائات پژوهش، رویکرد گلنیزر و استراوس انتخاب شد. یافته‌ها و نوآوری اصلی مقاله، سیاست‌های پیشنهادی بوده که در انتهای مقاله تبیین و تشریح شده است.

واژگان کلیدی: سیاست صنعتی، سازمان‌های دولتی، صنایع دفاعی، قابلیت‌ها

۱. پژوهشگر دانشگاه امام صادق (ع) و دانشجوی دوره دکتری مدیریت صنعتی دانشگاه مالک اشتر (نویسنده مسئول)
۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی
۳. دانشیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر
۴. استادیار دانشگاه صنعتی مالک اشتر

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

نیروهای مسلح هر کشوری عنصر اساسی در دفاع از موجودیت و منافع ملی هستند. به همین دلیل باید ضمن ایجاد آمادگی لازم برای مواجهه با تهدیدها و مقابله با دشمنان، توان بازدارندگی دفاعی را نیز بالا برد تا بدخواهان این نظام جرئت طمع به خود راه ندهند. با تأسف، امروزه شرایط جهان و منطقه به گونه‌ای است که تهدیدها و ناامنی در سطح بین‌المللی افزایش یافته و دشمنی کشورهای مختلف افزایش یافته است؛ در چنین شرایطی «ارتقای توان بازدارندگی و دفاعی» نه تنها یکی از راهبردهای عاقلانه بوده، بلکه راهبردی ضروری و غیرقابل انکار می‌باشد.

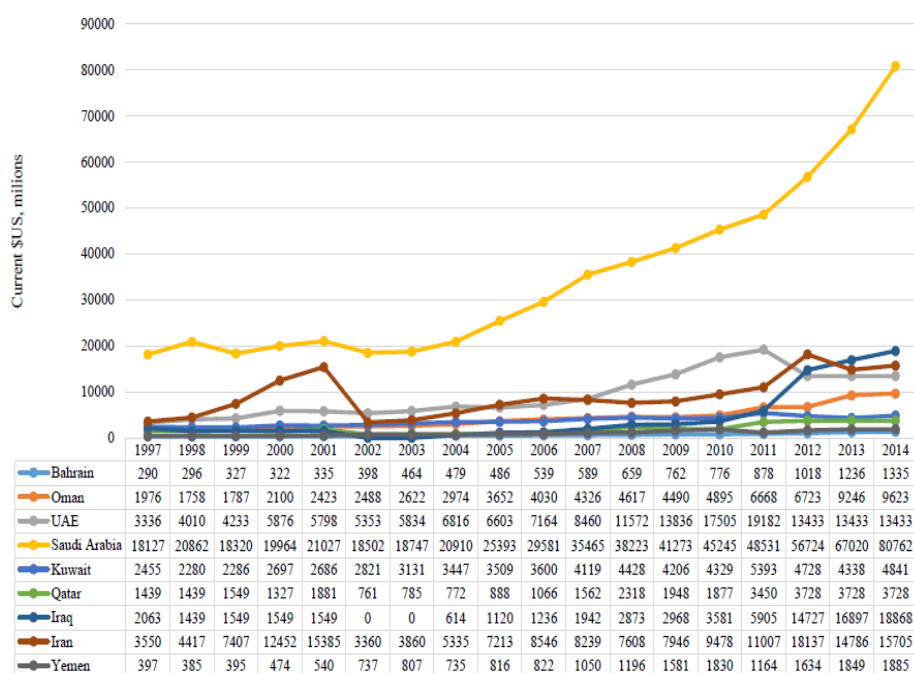
توان بازدارندگی و دفاعی از ابعاد مختلفی سرچشمه می‌گیرد که هر یک به نوبه خود مهم و حساس بوده و ترکیب بهینه آنها توسط سیاستگذاران و برنامه‌ریزان راهبردی کشور تدوین می‌شود. یکی از ابعاد مهم اثرگذار در این بین، «تجهیزات و سامانه‌های دفاعی» می‌باشد. روش‌های مختلفی برای تأمین تجهیزات و سامانه‌های دفاعی کشورها وجود دارد که در یک نگاه بسیط می‌توان آن روش‌ها را به سه دسته کلی «خرید»، «طراحی و تولید داخلی» یا «طراحی و تولید مشترک در فرایند همکاری» دسته‌بندی نمود. عمده کشورهای در حال توسعه، شیوه اول را مبنای کار خود قرار داده و تجهیزات مورد نیاز خود را از کشورهای توسعه یافته خریداری می‌نمایند و در مواردی نیز از روش سوم یعنی طراحی و تولید مشترک با همکاری کشورهای پیشرفته اقدام می‌نمایند؛ ولی ج.ا.ایران با توجه به شرایط و اقتضائات ناشی از تحریم‌های ظالمانه مجبور است عمده نیازهای خود را از طریق طراحی و تولید داخل تأمین نماید. البته ج.ا.ایران در موارد معدودی که فرصت وجود داشته باشد، چه بسا از همکاری فناورانه با برخی از کشورها نیز بهره‌گیرد، ولی این شیوه نیز نیازمند تقویت قابلیت‌های درونی و افزایش ظرفیت جذب برای کارآمدسازی ارتقای اثربخشی همکاری می‌باشد.

هر کشوری جهت طراحی و تولید ادوات نظامی نیاز به فناوری‌های مختلف و متنوع می‌باشد؛ از طرف دیگر ما شاهد رشد و توسعه روزافزون این فناوری‌ها می‌باشیم، به گونه‌ای که پیچیدگی و تخصصی بودن آنها به صورت مستمر افزایش می‌یابد. ابزارهای نوین جنگ‌های امروزی به کمک فناوری به دست آمده و این مسئله «فناوری» را به عنوان موضوع مهمی در مطالعات امنیت بین‌المللی مطرح ساخته است. (له‌له ۱۳۹۰: ۱۳) با توجه به این شرایط باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب برای «اکتساب فناوری» و تدوین «سیاست‌های صنعتی» برای سازمان‌های صنعتی فعال در عرصه دفاعی، زمینه رشد فناورانه و تأمین تجهیزات و ادوات را ایجاد نمود.

موضوع مهم دیگری که باید به آن توجه داشت این است که منابع و امکانات حوزه دفاعی کشور نامحدود نبوده و حد و مرزی دارد. طبق آمارهای عمومی منتشر شده، میزان بودجه نظامی کشور ما در مقایسه با برخی از همسایگان منطقه‌ای کمتر از نصف بوده که این واقعیت ضرورت توجه هر چه بیشتر به سیاستگذاری هوشمندانه در فرایند کسب قابلیت‌ها و شیوه نگهداشت و توسعه آن‌را نمایان می‌کند. هر چند امکان دستیابی به بیشتر قابلیت‌ها با تخصیص منابع فراوان محتمل است، ولی دستیابی به قابلیت‌ها و ارتقای روزافزون آن با منابع و هزینه‌های معقول، امری ضروری است؛ بنابراین در سیاستگذاری، ویژگی‌های «توجه‌پذیری اقتصادی»، «برخورداری از هزینه‌های معقول و در سطح توان مالی کشور» حائز اهمیت است. در این راستا به هزینه‌های بخش دفاعی کشورهای حاشیه خلیج فارس اشاره می‌شود.

این اطلاعات بر اساس گزارش‌های دو مؤسسه معتبر بین‌المللی ارائه می‌شود که اولی مربوط به «مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی»^۱ بوده و دومی مربوط به «مؤسسه

تحقیقات صلح استکهلم^۱ می‌باشد. در هر دو مورد نشان داده می‌شود که هزینه‌های بخش دفاعی ایران در حال کاهش است. (Cordesman and Peacock, 2015: 10)



از طرف دیگر، کوتاه شدن منحنی عمر سامانه‌ها، تجهیزات و ادوات جنگی، واقعیتی انکارناپذیر در عرصه دفاعی است. در محیط جهانی، فناوری نظامی با سرعت بسیار زیاد توسعه می‌یابد. بعضی از آن فناوری‌ها دارای توان بالقوه‌ای هستند تا قابلیت‌های موجود را منسوخ و از رده خارج کنند. (منزوی و نظری‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۰۴) این سرعت شتابان متأثر از سرعت توسعه فناوری در عرصه‌های مختلف است؛ حتی پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۵ سرعت توسعه فناوری با سرعت بی‌سابقه به خط‌شکنی در رویدادهای مختلف منجر خواهد شد. (منزوی و نظری‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۳) البته هر چند این موضوع در صنایع

دفاعی بروز زیادی دارد، لیکن منحصر به صنایع دفاعی نبوده و به صورت کلی در صنایع مختلف «چرخه عمر صنایع» کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود. (گرت، ۱۳۹۳: ۳۱۸)

با توجه به سرعت پیشرفت‌های فناوری و توسعه نوآوری در ابعاد مختلف صنایع، سرعت تغییر در صنعت دفاعی نیز متأثر از جریان عمومی یادشده بیشتر شده است. بازه زمانی ارائه سامانه‌ها و ادوات جدید کوتاه و کوتاه‌تر می‌شود و این منجر به کوتاه شدن منحنی عمر سامانه‌ها، تجهیزات و ادوات جنگی می‌گردد. در این بین عدم اکتفا به قابلیت‌های فعلی و تلاش برای طراحی و اجرای سیاست‌های مناسب جهت زایش قابلیت‌ها، امری ضروری است.

۱-۲. اهمیت و ضرورت موضوع

یکی از محدودیت‌های اساسی پیش روی صنایع دفاعی، کوچک بودن بازار آنهاست. در عمل بازار این صنایع معطوف به داخل بوده و از ظرفیت بازار بیرونی نمی‌توان استفاده چندانی نمود (البته استثنائاً در برخی موارد امکان صادرات وجود دارد). بازار کوچک منجر به محدود بودن تقاضا می‌شود. در تحقیقات انجام شده، اثبات گردید که «تقاضا» یک عامل مهم و پیشرانی برای توسعه صنعت است (گرت، ۱۳۹۳: ۳۱۳)

که در عمل صنایع دفاعی ایران از آن پیشران محروم می‌باشد. پیامد مهم دیگر آن این است که صنایع نمی‌توانند از مزیت‌های «منحنی تجربه و منحنی یادگیری» استفاده نمایند؛ همچنین امکان تأمین هزینه‌های تحقیق و توسعه به واسطه فروش بسیار اندک، یا مقدور نبوده یا به سختی قابل دستیابی است.

افزون بر کوچک بودن بازار تقاضای محصولات صنعت دفاعی ایران، «تنوع تقاضای مشتریان» به واسطه بروز شکل‌های مختلف تهدید در داخل و بیرون از کشور و «فقدان تقاضای پایدار بلندمدت با تیراژ اقتصادی» از دیگر چالش‌های سیاستگذاری صنایع دفاعی ایران می‌باشد. البته باید توجه داشت که این ویژگی منحصر به ایران نبوده و در

«راهبرد دفاع ملی وزارت دفاع آمریکا»^۱ نیز به چشم می‌خورد. در کتاب «راهبرد دفاع ملی ایالات متحده آمریکا: با مروری بر تصویرها، برنامه‌ها و فرایندهای بلندمدت علوم و فناوری دفاعی در آمریکا» می‌خوانیم که: «وزارت دفاع آمریکا باید به توسعه و تحول ظرفیت و توانمندی نظامی جهت مقابله با عدم قطعیت پردازد و دارای چابکی و انعطاف‌پذیری نهادی برای برنامه‌ریزی سریع و پاسخگویی مؤثر به شرکا و متحدان خود در وزارتخانه‌های دیگر و بازیگران غیردولتی و بین‌المللی باشد». (وزارت دفاع آمریکا ۱۳۸۷: ۶) بنابراین چالش‌های یادشده در سیاستگذاری صنایع دفاعی ایران، ضرورت انجام پژوهش در راستای تکمیل خلأ پژوهشی سیاستگذاری صنعتی برای صنایع راهبردی کشور با تأکید بر صنایع دفاعی را تبیین می‌نماید.

۳-۱. پیشینه تحقیق

اصطلاح «صنایع خلاق»^۲ یا «صنایع نوآور» اولین بار در فضای سیاستگذاری انگلستان در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی توسط دولت موسوم به «کارگر نوین» وضع و به‌کار گرفته شد. از آن پس این اصطلاح به طرح‌های سیاستگذاری سایر کشورها و نیز مباحث دانشگاهی وارد شد و به تدریج به‌کارگیری آن توسعه یافت. (Prince, 2010: 171)

سیاست‌های نوآوری و فناوری در برخی کشورها بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی تغییر جهت داشت و این تغییر جهت به دلیل ورود مستقیم دولت‌ها در سامان دادن به بخش صنعت کشور، به‌ویژه صنایع با فناوری بالا بود. (Ling and Naughton, 2016: 2138) همچنین توسعه صنعت در کشورهای شرق آسیا به دلیل انتقال چارچوب‌مند دولت مرکزی در کشورهای یادشده از موضوع «سیاست‌های صنعتی» به «سیاست‌های نوآوری در صنعت» بود که بر سه محور «توسعه زیرساخت‌های دانش»، «کارآفرینی» و «استفاده از ابزار بازارهای

1 National Defense Strategy Department of Defense

2 Creative Industries

کارا» تأکید دارد. (Eichengreen, 2015: 114 & Kim, 1997: 22) نتایج برخی پژوهش‌های حاکی از آن است که یک فرایند قوی، شفاف، جزئی و گام به گام در سیاست‌گذاری و نیز نقش‌های نهادینه شده یا «نهادسازی» به معنای تغذیه فرایند سیاست‌گذاری از نهادهای مشخص با نقش‌های مشخص، قطعاً مسیر تغییر محتوایی در سیاست‌های صنعتی را تسهیل خواهد نمود. (Ling and Naughton, 2016: 2139 & Mingo and Khanna, 2013)

به کارگیری پایگاه بسیار کاملی از داده‌های شرکت‌های کوچک و متوسط حاکی از آن است که اثربخشی سیاست‌های صنعتی در بخش رقابتی نسبت به بخش انحصاری و غیررقابتی بیشتر بوده و این بخش بهره‌وری و رشد بالاتری را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، سیاست‌های صنعتی که در بستر بخش رقابتی اتفاق می‌افتد و نیز سیاست‌هایی که تسهیل‌کننده و مشوق توسعه رقابت در بخش صنعتی می‌باشد، از موفقیت بالاتری نسبت به سیاست‌های مشابه در بخش غیررقابتی برخوردار است؛ چرا که رقابت به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی توسعه نوآوری‌های در صنعت محسوب می‌شود. (Aghion 2015: 1)

تقابل «رقابت» و «انحصار» با عنوان آزادی در سیاست‌گذاری عمومی نیز مورد بحث قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر آن است که مباحث یادشده در شرکت‌های معاصر پیرامون آزادی منفی یا آزادی مثبت نیست، بلکه آزادی به‌عنوان یک پیش‌فرض پذیرفته شده و بحث اصلی بر چگونگی توسعه آزادی در سیاست‌گذاری عمومی و نیز نقش دولت‌ها در این باره خلاصه می‌شود (Baily and Ruyter, 2007: 383)

امروزه در جهان سه گرایش در موافقت یا مخالفت با سیاست صنعتی مطرح است:

۱. گرایش اول: علیه دخالت و برنامه‌ریزی دولتی در بازار بوده و بر توانایی‌های بازار در بلندمدت برای رسیدن به تخصیص منابعی کارا، تأکید دارد. طرفداران این نگرش به هر نوع سیاست دولتی دیگری هم اعتقاد داشته باشند، «سیاست صنعتی» را غیرلازم ارزیابی می‌کنند. (برادران کاظم‌زاده، طباطبائیان و حسنی پارسا، ۱۳۸۳: ۹۱)

۲. گرایش دوم: معتقد به حداقلی از دخالت دولت در بازار است و با اشاره به بعضی نارسایی‌ها و کاستی‌های بازار، اعتقاد به دخالت دوم برای رفع این نارسایی‌ها دارد. برای مثال، برای فعالیت‌های تحقیق و توسعه معتقد است که به دلیل وجود صرفه‌های بیرونی، این نوع فعالیت‌ها همواره با بی‌علاقگی بخش خصوصی مواجه می‌گردد. البته طرفداران این بحث نسبت به توانایی‌های دولت در دنبال کردن سیاست‌های صحیح نگران بوده و معتقدند محافل ذینفع برای بهره‌گیری از سیاست‌ها، مقام‌های دولتی را تحت فشار قرار خواهند داد. البته سیاست‌های این بخش فراتر از سیاست صرف عمل دولت به وظایف سنتی خود (بهبود بازارهای موجود) بوده و در پی ارتقای فعالیت‌های ویژه‌ای بین بخش‌هاست. (Lall and Teubal, 2001: 25)

۳. گرایش سوم: طرفدار حمایت دولت از صنایع راهبردی و دخالت مستقیم دولت برای ایجاد صنایع نوین و یا پیشتاز می‌باشد. طرفداران این نظر در عین اذعان به امکان وجود نارسایی‌ها در عملکرد دولت، بر این نکته تأکید می‌کنند که چنانچه نتوان صنایع پیشتاز یا نوین را ایجاد و صنایع راهبردی را سرپا نگه داشت، نتایج آن برای صنعت یک کشور فاجعه‌آمیز خواهد بود. از این رو، آنها در رابطه با صنایع با فناوری بالا یا صناعی که احتیاج به تجدید ساختار ریشه‌ای دارند، یک سیاست صنعتی فعال را تجویز می‌کنند. (نبوی و ملایری، ۱۳۸۵: ۲۶)

۴-۱. سؤال‌های تحقیق

(۱) سؤال اصلی

* الگوی سیاستگذاری صنعتی مطلوب برای صنایع دولتی راهبردی با تأکید بر صنایع دفاعی ج.ا.ایران چیست؟

(۲) سؤال‌های فرعی

* دلالت‌های سیاستی (خطوط راهنما) سیاستگذاری صنایع دولتی راهبردی با تأکید بر صنایع دفاعی کدامند؟

* سیاست‌های صنعتی پیشنهادی برای صنایع دولتی راهبردی با تأکید بر صنایع دفاعی کدامند؟

۱-۵. هدف تحقیق

هدف اصلی تحقیق، «شناسایی و تدوین سیاست‌های صنعتی صنایع دفاعی ج.ا.ایران» می‌باشد. برای رسیدن به این هدف باید دو مسیر را در پیش گرفت: اولاً بر اساس مطالعات نظری انجام شده و الگوهای علمی ارائه شده، دلالت‌های کلی سیاست‌ها را مشخص نمود، سپس بر اساس تحلیل بیانات غیرمحرمانه مسئولان وزارتی، اقدام به شناسایی سیاست‌های مطلوب نمود. گفتنی است که این پژوهش با یکسری محدودیت‌های جدی مواجه بوده و به دلایل حفاظتی و اطلاعات محرمانه، امکان دسترسی به کلیه اطلاعات، شرایط محیطی و سیاست‌ها میسر نبوده است. بنابراین تنها آن دسته از اطلاعاتی که فاقد طبقه‌بندی بوده‌اند، مورد تحلیل قرار گرفت.

۱-۶. روش تحقیق

«نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»^۱، روشی پژوهشی کیفی است برای علوم اجتماعی که توسط «بارنی گلیزر»^۲ و «آنسلم استراوس»^۳ تدوین شده است. به لحاظ مبانی معرفت‌شناسی در فلسفه علم می‌توان گفت که روش نظریه داده‌بنیاد مبتنی بر مبانی چارچوب تفسیری (و ساختارگرایی) بوده و در مقابل رویکرد اثبات‌گرایانه به تولید علم قرار دارد؛ بنابراین دخالت و درگیری پژوهشگر در موضوع تحقیق به مراتب بیشتر از رویکردهای کمی است. مبنای منطقی این روش در تولید علم، به کارگیری شیوه «استقرایی» و برآمده از داده‌های کیفی است. این راهبرد پژوهشی نوعی روش‌شناسی عمومی برای تدوین

1 Grounded Theory

2 Barney Glaser

3 Anselm Strauss

نظریه‌هایی است که ریشه در داده‌های گردآوری و تحلیل شده به صورت نظام‌مند دارد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جزء به کل است. این راهبرد پژوهش بر سه عنصر: «مفاهیم»^۱، «مقوله‌ها (طبقه‌ها)»^۲، و «گزاره‌های نظری (قضیه‌ها)»^۳ استوار است. (Glaser and Straus, 1967: 122)

محققان در انجام پژوهش خود معمولاً هنگامی سراغ روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد می‌روند که نیازمند یک نظریه یا تبیین کلی (اجمالی) از یک فرایند باشند. از آنجا که این نظریه، در داده‌ها «بنیان» دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده، تبیین بهتری ارائه می‌دهد؛ زیرا با موقعیت تناسب دارد و در عمل واقعاً کارآمد است؛ افراد موجود در یک محیط را در نظر گرفته و احساسات آنها را درک می‌کند و ممکن است همه پیچیدگی‌هایی را که واقعاً در فرایند یافت می‌شود، نشان دهد. (Strauss and Corbin, 1998: 154) به این ترتیب، روش یادشده یک روش‌شناسی استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارش نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد؛ در حالی که به شکل همزمان، پایه این گزارش را در مشاهده‌های تجربی داده‌ها محکم می‌سازد. (امامی، ۱۳۸۵: ۱۸۶)

روش یادشده، پس از پایه‌گذاری و شکل‌گیری توسط اندیشمندان مختلف علوم اجتماعی و انسانی مورد استفاده قرار گرفت و افزون بر آن ویرایش‌ها و اصلاحاتی در فرایند و مراحل آن انجام شد. از جمله مهم‌ترین رویکردها به روش داده‌بنیاد می‌توان به چهار رویکرد گلیزر و استراوس (۱۹۶۷)، استراوس و کوربین (۱۹۹۸)، چارمز (۲۰۰۶) و کلارک (۲۰۰۵) اشاره کرد. در پژوهش حاضر، به‌کارگیری این روش مبتنی بر رویکرد واضعان اصلی آن یعنی «گلیزر و استراوس» مورد نظر بوده است. به‌منظور تلخیص ارائه یافته‌های پژوهش در فرایند سه مرحله‌ای تحقیق، تمامی نتایج مرتبط

1 Concepts

2 Categories

3 Propositions

شامل مفاهیم، مقوله‌ها، شبکه ارتباطی میان آنها و نیز تشریح تمامی قضایای نظری صورت گرفته و نتایج مطابق با منطق تجزیه و تحلیل گلیزر و استراوس ارائه شده است. با توجه به ویژگی‌هایی که تاکنون برای روش «داده‌بنیاد» بیان شده، علل استفاده پژوهشگران از این روش را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

(۱) هدف پژوهش چنین اقتضا می‌کند که از روشی استفاده شود که ابزار گردآوری اطلاعات در آن به صورت تعاملی (دوطرفه) و با جلب نظرات همزمان مشارکت کنندگان در پژوهش باشد. به عبارت دیگر، صرف انجام پیمایش و یا تحلیل کمی به کمک ابزارهای گردآوری یکطرفه مانند پرسشنامه به هیچ وجه تأمین‌کننده هدف تحقیق محسوب نمی‌گردد. مناسب‌ترین ابزار برای این منظور، «مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته» تخصصی است که محور مرحله گردآوری اطلاعات در روش داده‌بنیاد محسوب می‌گردد.

(۲) با توجه به هدف و سؤال پژوهش، نیازمند روشی بودیم که ضمن آن «داده‌های کیفی» (و بیشتر از نوع داده‌های دست اول) از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران گردآوری شود؛ به این معنا که داده‌ها مستقیماً توسط پژوهشگر استخراج شود.

(۳) پاسخ به سؤال اصلی تحقیق نیازمند اتخاذ رویکردی استقرایی و از جزء به کل (از داده‌های مشارکت‌کنندگان در پژوهش به سمت خلق قضایای نظری) می‌باشد که کاملاً متناسب با رویکرد روش داده‌بنیاد است.

(۴) با توجه به هدف و سؤال پژوهش نیازمند روشی بودیم که قابلیت ایجاد مفاهیم و مضامین نوآورانه و بدون سابقه در ادبیات موضوع را داشته باشد. به این معنا که خلق مضامین انتزاعی همراه با تعبیر و تفسیر داده‌ها توأم با مفهوم‌پردازی آنها و «واژه‌گزینی بدیع» باشد که این ویژگی نیز در روش داده‌بنیاد وجود داشت.

اما در مورد شیوه نمونه‌گیری، روش داده‌بنیاد دارای تدبیر خاص خود می‌باشد. این روش در نمونه‌برداری هدفمند افراد برای مصاحبه یا مشاهده که به آن «نمونه‌برداری نظری» اتلاق

می‌گردد، از نگرشی منحصربه‌فرد حمایت می‌کند که آن را از دیگر رهیافت‌های کمی و کیفی به گردآوری داده‌ها متمایز می‌سازد. از سویی، برخلاف نمونه‌برداری صورت گرفته در بررسی‌های کمی که معمولاً تصادفی است، نمونه‌برداری نظری کاملاً ارادی و هدفمند است. دیگر اینکه، این شیوه نمونه‌برداری نمی‌تواند قبل از شروع پژوهش برنامه‌ریزی شود، بلکه تصمیم‌های خاص نمونه‌برداری در خلال فرایند پژوهش شکل می‌گیرند. علت اصلی بروز این تمایز در روش نمونه‌برداری نیز آن است که نظریه‌پردازان داده‌بنیاد از شیوه‌ای استفاده می‌کنند که مستلزم گردآوری و تحلیل همزمان و زنجیره‌وار داده‌هاست. (Strauss and Corbin, 1998: 18)

جدول شماره (۱): نمونه‌برداری نظری صورت گرفته در پژوهش حاضر تا مرز «کفایت نظری»^۱

ردیف	نمونه هدفمند انتخاب شده	قلمرو موضوعی مربوط
۱	منابع علمی و اسناد عمومی، مصاحبه‌های غیرمحرمانه	محیط‌شناسی
۲	منابع علمی مختلف با تأکید بر سیاست‌های پیشنهادی OECD در عرصه حاکمیت شرکتی	تعیین وضعیت مطلوب
۳	اسناد عمومی و غیرمحرمانه	سیاست‌های صنعتی پیشنهادی

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۲-۱. سیاستگذاری عمومی

پیدایش رشته سیاستگذاری (خط‌مشی‌گذاری)، ریشه در آثار «لاسلو» و «لرنر» داشته، اما گسترش و نهادینه‌شدن آن در دانشگاه‌های غربی، پانزده تا بیست سال بعد،

۱. معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن فرایند گردآوری داده‌ها، «کفایت نظری» مقوله‌ها یا نظریه است. کفایت نظری مرحله است که گردآوری هرگونه داده، کمکی به افزایش ویژگی‌ها و غنای یک مقوله نکند. به عبارت دیگر، هیچ داده بیشتری یافت نمی‌شود که پژوهشگر به وسیله آن بتواند مقوله را رشد دهد. به موازاتی که پژوهشگر داده‌های مشابه را به دفعات مشاهده می‌کند، از لحاظ تجربی اطمینان حاصل می‌کند که یک مقوله به کفایت رسیده است...» بنابراین در روش داده‌بنیاد، نمونه‌گیری توسط ظهور مفاهیم نو (و نه طرح پژوهش) به پیش می‌رود و توسط کفایت نظری (و نه طرح پژوهش) محدود می‌شود. (Price, 2010: 416)

یعنی در اواسط دهه ۶۰ آغاز شد و زمینه را برای ارتباط میان علوم سیاسی و دیگر رشته‌های اصلی علوم اجتماعی مانند اقتصاد، جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و ... به‌منظور شناخت و بهبود سیاستگذاری‌ها فراهم کرد. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۳)

«ریچارد دای»^۱ «سیاست عمومی»^۲ را «هر آنچه که حکومتی انتخاب می‌کند که انجام دهد یا انجام ندهد» توصیف می‌کند. (Howlett and Ramesh, 2009: 5) تعریف او دارای سه جنبه مهم و اساسی است:

۱. عامل اولیه و اساسی سیاستگذاری، دولت است. یعنی تصمیم‌های بخش خصوصی، سازمان‌های خیریه، گروه‌های ذینفع، افراد و یا سایر گروه‌های اثرگذار حتی سازمان‌های مردم‌نهاد^۳ سیاست عمومی محسوب نمی‌شوند. ویژگی اصلی تصمیم‌های دولتی، معتبر و الزام‌آور بودن آن برای شهروندان و تمامی گروه‌های مرتبط است.

۲. سیاست عمومی، یک انتخاب اساسی از سوی دولت می‌باشد که ممکن است شامل انجام دادن برخی چیزها در پاسخ به مسئله عمومی و یا «انجام ندادن» کاری در برابر آن باشد. به عبارت دیگر، مطابق با تعریف دای، «بی‌تصمیمی» یا «تصمیم منفی» نیز یک نوع سیاست عمومی محسوب می‌شود. بی‌تصمیمی، رها کردن مسئله در همان وضعیتی است که در آن قرار دارد و البته آگاهانه از سوی دولت انجام می‌شود.

۳. سیاست عمومی انتخاب آگاهانه و هوشیارانه دولت‌هاست. اقدام‌ها و تصمیم‌های دولتی به هر حال دارای برخی تبعات ناخواسته (مفید یا غیرمفید) است. برای مثال، ممنوع کردن تجارت توتون ممکن است منجر به گسترش بازارهای سیاه و قاچاق آن شود. مطابق با این تعریف، تبعات ناخواسته تصمیم‌های دولت، سیاست عمومی محسوب نمی‌شود.

1 Richard Dye

2 Public policy

3 NGOS

«ویلیام جنکینز»^۱ (۱۹۷۸)، سیاست عمومی را مجموعه تصمیم‌های متعامل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی تلقی می‌کند که بایستی به صورت قانونی و در حوزه اختیارات بازیگران اخذ شده باشد. وی برخلاف دای که سیاست عمومی را یک انتخاب می‌داند، آن را فرایندی شامل یک سلسله اقدام‌ها در نظر می‌گیرد که از زمان احساس مشکل (نهفتگی مشکل) شروع می‌شود و تا ارزیابی از اجرای آن ادامه می‌یابد و فقط اتخاذ یک تصمیم نیست. (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۹۷) از آنجا که سیاستگذاری فرایند حل مسئله عمومی است، بنابراین می‌توان مراحل سیاستگذاری را متناظر با مراحل حل مسئله برشمرد.

جدول شماره (۲) تناظر فرایند سیاستگذاری عمومی و فرایند حل مسئله

مراحل سیاستگذاری	تناظر با مراحل حل مسئله	بازیگران هر مرحله
دستور کارگذاری سیاست	شناخت مسئله	کل جامعه اثرپذیران سیاست ^۲
شکل‌گیری سیاست	ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی	ذینفعان مستقیم سیاست ^۳
تصمیم‌گیری	راه‌حل نهایی	دولت
اجرای سیاست	اجرا و جرح و تعدیل راه حل	ذینفعان مستقیم سیاست
ارزیابی سیاست	کنترل و نظارت بر نتایج	کل جامعه اثرپذیران سیاست

در جدول بالا، سیاستگذاری به پنج مرحله تقسیم گردیده که سه مرحله نخست آن، از جمله زیر مراحل «تدوین» سیاست عمومی محسوب شده و در واقع بسط یافته

1. William Jenkins

۲ معادل اصطلاح Policy universe (جهان سیاست عمومی): مجموعه‌ای از «بازیگران»، «ایده‌ها» و «ساختارها/ساختارها/ نهادها» بی که با یکدیگر ترکیب شده و در چنین فضایی مسئله عمومی به شکل واقعی پدید آمده و پاسخ می‌یابد.

۳ معادل اصطلاح Policy subsystem: هر گروه یا هر بخش از بازیگران و ساختارهای سیاست عمومی که ذیل جهان سیاست عمومی با یکدیگر تعامل دارند. (منظومه‌ای منحصر به فرد) هر زیرمجموعه از جهان سیاست عمومی شامل بازیگران در دو سطح دولتی و اجتماعی (بازیگران اجتماعی مانند گروه‌های ذینفع، رسانه، سازمان‌های پژوهشی، کسب و کارها و کارگران یا نیروهای کار) است که در بستر یک نظام پیچیده به تعامل دو طرفه با یکدیگر می‌پردازند.

مرحله تدوین هستند. متناسب با پیشرفت مراحل سیاستگذاری در سه مرحله نخست، قلمرو بازیگران هر مرحله محدود و محدودتر می‌شود تا اینکه در مرحله تصمیم‌گیری فقط بازیگران مستقیم دولتی ایفای نقش می‌کنند. یکی از ویژگی‌های مشترک بیشتر تعاریف ارائه شده از سیاست عمومی آن است که تقریباً تمامی آنها سیاست عمومی را در پاسخ به یک «مسئله عمومی» مطرح می‌کنند. بنابراین سیاستگذاری، دانشی مسئله‌محور و با هدف غایی حل مسائل عمومی است. (Howlett and Ramesh, 2009: 5) از مهم‌ترین مصادیق «مسئله عمومی» در گونه‌شناسی مسائل مرتبط با آحاد شهروندان، «مسائل دفاع ملی» محسوب می‌شود که امروز در قالب «صنعت دفاعی» در کشورهای مختلف پیگیری می‌شود. (Shafritz and Borick, 2008: 78)

۲-۲. سیاست صنعتی

ناهنجاری‌های رفتاری بخش صنعت در مجموعه اقتصاد کشور از دو حوزه متفاوت ناشی می‌شود. نخست از کندی مناسبات درونی بخش صنعت رنج می‌برد و دوم از ناهماهنگی‌های محیط پیرامون خود. برآیند کارکردها، متقابلاً بر عملکرد نامطلوب بخش صنعت دارای آثار تشدید شونده است. اصلی‌ترین عاملی که می‌تواند به انتظام روابط درونی بخش کمک نموده و نیروها و منابع را از تقابل، تکرار و تناقض در مجموعه رهایی بخشد، حاکمیت راهبردها و سیاست‌های از پیش طراحی شده است. سیاست صنعتی، مجموعه مناسبات عوامل و نهادهای سازنده بخش را در انتظامی نظام‌مند همسویی بخشیده و می‌تواند به شدت از آثار منفی احتمالی محیط کاسته و در نهایت به عنوان محرک اقتصاد قابلیت نظام‌آفرینی به آن ببخشد. (نبوی و ملایری، ۱۳۸۵: ۲۱)

سیاست‌های صنعت دفاعی یکی از مهم‌ترین شاخه‌های سیاست صنعتی کشورهاست و سیاست صنعتی، خود یکی از شاخه‌های سیاست عمومی محسوب می‌شود. برخی از تعاریف «سیاست صنعتی» در تحقیقات مرتبط به این شرح است:

(۱) سیاست صنعتی، مجموعه سیاست‌هایی است که بر روی ساختار صنعتی با هدف جلب رقابت‌پذیری دخالت می‌کند و شامل سیاست رقابتی، سیاست منطقه‌ای و سیاست نوآوری است. (Ferguson and Ferguson, 1994: 45)

(۲) شیوه‌های مختلف دخالت دولت است که به صورتی هماهنگ شده و آگاهانه، برای پیشرفت در توسعه صنعتی از طریق رفع محدودیت‌های سازوکار بازار و تخصیص منابع میان صنایع مختلف اعمال می‌شود. (Lall, 2000: 97)

(۳) مجموعه چشم‌اندازها، سیاست‌ها و اقدام‌های هماهنگ، هدفمند و مبتنی بر برنامه‌ریزی بلندمدت بخش دولتی که در راستای خلق توانایی‌های نوین و یا تلاش برای تغییر ساختار صنعتی یک کشور اعمال می‌شود. (ایزدخواه و رضوی، ۱۳۹۲: ۱۲)

شکل‌گیری یک سیاست عمومی (و از جمله آن سیاست‌های صنعتی) تحت تأثیر اولویت‌های جامعه با شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. همان‌گونه که حوادث از محیط به داخل نظام سیاسی نفوذ می‌کنند، به نظام نظم جدیدی می‌دهند؛ بنابراین اگرچه اهمیت شرایط و اولویت‌های در زمان وقوع، بیشتر غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل تخمین است، اما عوامل پیش‌برنده به تعریف مسائل جدید متعاقب برای پاسخ به آنها کمک می‌کند. ارزش عوامل پیش‌برنده یک سیاست عمومی از تعامل چهار عامل حاصل می‌شود: قلمرو، شدت (حساسیت)، زمان و منابع. در جدول زیر نقش عوامل یادشده تشریح گردیده است. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۵۲)

جدول (۳) ابعاد مؤثر بر عوامل پیشران سیاست عمومی

ردیف	ابعاد عوامل پیشران	توضیح
۱	قلمرو ^۱	تعداد افراد در یک مرز جغرافیایی که به وسیله عوامل پیشران تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اگر یک رویداد، تأثیر گسترده‌ای بر بخش بزرگی از جامعه داشته باشد، تقاضا برای تغییر وضعیت و تعیین سیاست عمومی دامنه وسیعی به خود خواهد گرفت.
۲	شدت (حساسیت) ^۲	شدت حادثه‌ای که از طرف مردم ادراک می‌شود که معمولاً خشم، ترس و یا تأثیر شدید آنها را در پی خواهد داشت.
۳	زمان ^۳	مقطع و طول زمانی که یک رویداد، ظهور و ادامه پیدا می‌کند.
۴	منابع ^۴	هزینه‌هایی که بروز یک رویداد به دنبال دارد. هر چه عوامل مربوط به سلامتی و زندگی بیشتر مورد تهدید قرار بگیرند، عامل پیشران تقویت خواهد شد؛ چرا که هزینه‌های غیرقابل جبرانی به دنبال دارد.

با در نظر گرفتن عوامل چهارگانه بالا باید گفت که «سیاست‌های صنعتی» در قلمرو دفاع ملی در هر چهار معیار سطح بالای پیوستار مورد نظر را به خود اختصاص می‌دهند (Shafritz and Borick, 2008: 80) و این از جمله نکات حائز اهمیت در توجه سیاستگذاری به مسائل مربوط به حوزه صنایع دفاعی در فرایند سیاستگذاری عمومی کشورها محسوب می‌شود. «هاولت و رامش»، شیوه دستور کارگذاری^۵ سیاست عمومی را متأثر از دو معیار «نوع زیرنظام سیاست» و «ایده‌های سیاست» می‌دانند. نکته حائز اهمیت در الگوی آنها توجه به روند حرکت از زیرنظام‌های انحصاری به رقابتی و نیز ایده‌های قدیمی به سمت ایده‌های نو می‌باشد. در این الگو شانس ظهور ایده‌ها و مسائل جدید در دستورکار دولتی وابسته به آن است که زیرنظام سیاستگذاری به صورت انحصاری عمل می‌کند و یا اینکه ماهیت رقابتی دارد. از نظر هاولت و رامش، آخرین مرحله از زیر مراحل تدوین سیاست عمومی، مرحله «تصمیم‌گیری» است.

1. Scope
2. Intensity
3. Time
4. Resources
5. Agenda-setting

جدول شماره (۴) شیوه‌های دستور کارگذاری از نظر هاوالت و رامش

نوع زیر سیستم سیاست عمومی		شیوه‌های دستور کارگذاری سیاست عمومی	
رقابتی	انحصاری	قدیمی	ایده‌های سیاست عمومی
مناقشه آمیز ^۲ ویژگی: تغییرات بحث برانگیز در وضع موجود	حفظ وضع موجود ^۱ ویژگی: انکار دستور کارها (قدرت برتر زیرسیستم موجود در حفظ سیاست‌های قبلی)	قدیمی	ایده‌های سیاست عمومی
نوآورانه ^۴ ویژگی: غیر قابل پیش‌بینی و متکثر	تعریف مجدد ^۳ ویژگی: باز تعریف همراه با استدلال داخلی	جدید	

(Howlett and Ramesh, 2009: 107)

امروزه مشارکت‌های بخش دولتی - خصوصی (PPPs) تبدیل به ابزارهایی فراگیر جهت تحویل خدمات و زیرساخت‌های عمومی (مانند حمل و نقل عمومی، حمایت‌های زیست‌محیطی، مدیریت انرژی، سلامت عمومی و ...) در سرتاسر جهان شده است. بسیاری از کشورها در مناطق متعدد جهان در حال به‌کارگیری این رویکرد جهت مقابله با ابعاد ناکارآمد مدیریت سنتی خود هستند. برای مثال، چین تا سپتامبر ۲۰۱۶ بالغ بر ۱۰ هزار پروژه PPPs با هزینه تقریبی ۱۲/۵ تریلیون یوان تعریف و اجرا نموده است. PPPs به‌عنوان یک رویه عمومی نوآورانه توجه قابل ملاحظه تحقیقات دانشگاهی را به‌خود جلب کرده، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت این پدیده در حال رقم زدن شکلی جدیدی از «دولت»ها در عصر حاضر است. به‌منظور افزایش دانش در این حوزه، دانشمندان پس از مطالعه نظام‌مند پژوهش‌های منتشر شده در نشریه «مدیریت عمومی» چهار عنوان اصلی مرتبط استخراج کرده‌اند. این عناوین به کمک ابزارهای تحلیل شبکه اجتماعی به‌دست آمده که عبارتند از: مفاهیم بنیادین مشارکت بخش دولتی - خصوصی، ابزارهای تسهیم خطرپذیری (ریسک) میان بخش دولتی - خصوصی،

1. Status quo
2. Contested
3. Redefining
4. Innovative

انطباق و نزدیکی بخش دولتی - خصوصی و در نهایت کیفیت عملکرد مشارکتی بخش دولتی - خصوصی. (Wang, et al, 2017: 54)

البته درباره سیاستگذاری صنعتی، ابزارهای فنی و عملیاتی مشخصی نیز وجود دارد که از جمله مهم‌ترین این ابزارها می‌توان به سه روش «ارزیابی ملزومات فناوری»^۱، روش «محدوده - فناوری - تأثیر - سیاست»^۲ و در نهایت «فناوری تخمین بازار»^۳ MSTP اشاره نمود. «ارزیابی ملزومات فناوری» ابزاری است که توسط «سازمان توسعه صنعتی ملل متحد»^۴ برای اطمینان از انتقال موفقیت‌آمیز فناوری ابداع شده است. «ارزیابی ملزومات فناوری» یا TNA در سه سطح ملی، بخشی (صنعتی) و سطح بنگاه قابل استفاده است. از آنجا که این ابزار در مورد نقاط قوت و ضعف زیرساخت‌های فناوری در چهار زمینه سیاستگذاری، دستگاه‌های سیاستگذار، عملکرد سیاسی و قابلیت سیاستگذاری بحث می‌کند، بنابراین سطح ملی آن می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای سیاستگذاری صنعتی نیز به کار رود. (M. Hobday, 2002: 52)

افزون بر این روش، روش «محدوده - فناوری - تأثیر - سیاست» یا STIP نیز روشی برای ارزیابی فناوری است. «براون» این روش را به‌مثابه ابزاری برای تدوین سیاست‌های عمومی فناوری معرفی کرده است. این روش را با اندکی تغییرات و افزودن گام‌هایی به آن، می‌توان به‌عنوان روشی برای سیاستگذاری صنعتی به‌کار برد. (براون، ۱۳۸۲: ۸۳)

«فناوری تخمین بازار» یا MSTP نیز به‌شکل مشابه چارچوبی برای سیاستگذاری فناوری و مراحل مختلف آن پیشنهاد می‌کند که برای حوزه سیاستگذاری صنعتی نیز با اعمال تغییراتی قابل استفاده خواهد بود. سیاست فناورانه مشوق بازار از سه مقوله عمده سیاستگذاری تشکیل شده است. (Lall and Teubal, 2001: 34)

1 Technology Needs Assessment (TNA)

2 Scope, Technology, Impact, Policy (STIP)

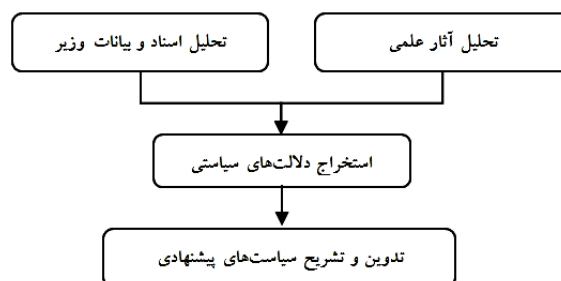
3 Market Stimulating Technology Policy (MSTP)

4 UNIDO

- (۱) اولویت‌ها: تعیین اولویت‌های ملی و اجتماعی برای توسعه صنعتی و فناورانه.
- (۲) مشوق‌ها: فرستادن پیام‌هایی برای مؤسسه‌های اقتصادی زمانی که بازار از انجام مناسب این امر ناتوان باشد.
- (۳) نهادها: ایجاد نظام‌های غیربازاری، شامل سازمان‌ها و نهادهایی که با ایجاد سازوکار سیاستگذاری دو مقوله قبلی را پشتیبانی می‌کنند.

۳. یافته‌های تحقیق

برای شناسایی سیاست‌های صنعتی مطلوب صنایع دفاعی، دو گام مهم برداشته شد. در گام اول پژوهش‌های دانشگاهی انجام شده در کشورهای مختلف جهان و سیاست‌های پیشنهادی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی OECD مورد تحلیل قرار گرفت. در گام بعدی تلاش شد تا با تحلیل اسناد و صحبت‌های غیرمحرمانه وزیر محترم دفاع، سیاست‌های مطلوب استخراج گردد. شکل زیر نشانگر این اقدام‌ها می‌باشد:



۱. مرحله اول: شناسایی دلالت‌های سیاستی در حوزه سازمان‌های صنعتی

در این حوزه ابتدا از کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی استفاده شد و در ادامه از اسناد ارائه شده توسط سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی^۱ با عنوان «خطوط راهنمای سیاستگذاری و اجرای حاکمیت شرکتی» بهره گرفته شد.

1. OECD

استفاده کورکورانه از چنین اسناد و اجرایی کردن آنها بدون بررسی پیش فرض‌ها و پیامدها، به هیچ وجه راهگشا نخواهد بود؛ لیکن این اسناد در کنار سایر منابع علمی و دانشگاهی می‌تواند منبعی برای مطالعه و اخذ ایده قرار گیرد. در سال ۲۰۰۵ سازمان OECD اقدام به انتشار اسنادی با عنوان خطوط راهنمای حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی کرده و سپس در سال ۲۰۱۵ آنرا روزآمد کرده است. بر مبنای اسناد بالا، خطوط راهنمای حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی در هفت سرفصل به شرح زیر تدوین شده است:

* راهنمای (۱) دولت برای پیشبرد منافع عمومی، مالکیت بنگاه‌ها را برعهده دارد و باید مستمراً به ارزیابی و انتشار دلایل ادامه مالکیت پردازد.

* راهنمای (۲) دولت باید به‌عنوان مالکی آگاه و فعال عمل نموده و مطمئن شود که بنگاه‌های دولتی به‌گونه‌ای شفاف، مسئولانه، حرفه‌ای و اثربخش اداره می‌شوند.

* راهنمای (۳) هماهنگ با منطق ایجاد شرکت‌های دولتی، چارچوب حقوقی و قانونی این شرکت‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که وقتی فعالیت اقتصادی می‌کنند، زمین بازی مسطح و رقابت در بازار عادلانه باشد.

* راهنمای (۴) اگر سهام بنگاه‌های دولتی به‌صورت عمومی مبادله شود، یا دارای سهامدار غیردولتی باشند، دولت و بنگاه باید حقوق همه سهامداران را به‌رسمیت بشناسد و مطمئن شوند که با همه به‌گونه‌ای برابر برخورد می‌شود و همگی دسترسی یکسانی به اطلاعات بنگاه دارند.

* راهنمای (۵) دولت باید مسئولیت بنگاه در قبال ذینفعان را به‌رسمیت شناخته و از بنگاه بخواهد در مورد رابطه با ذینفعان گزارش دهد. این سیاست باید انتظارات دولت از بنگاه‌ها در مورد هدایت مسئولانه کسب و کار را مشخص سازد.

* راهنمای (۶) بنگاه‌های دولتی باید استانداردهای بالایی از شفافیت را رعایت کنند و مانند بنگاه‌های خصوصی، طبق استانداردهای حسابداری، گزارش‌دهی، تطابق با قانون و ممیزی عمل کنند.

* راهنمای (۷) هیئت مدیره شرکت‌های دولتی باید از اختیار، شایستگی و واقع‌بینی لازم برای هدایت راهبردی و پایش مدیریت برخوردار باشد. اعضای هیئت مدیره باید همبستگی و صداقت داشته و پاسخگویی اقدام‌های خود باشند. وظایف مشخصی در مورد عملکرد بنگاه باید برعهده اعضای هیئت مدیره گذاشته شود و مسئولیت نهایی عملکرد نیز برعهده ایشان است. هیئت مدیره باید در مورد مصالح بنگاه در برابر مالکان پاسخگو باشد. (OECD, 1999: 17)

جدول شماره (۵) نمونه‌ای از جدول تحلیل داده بنیاد

سگ‌گذاری باز	منبع	عبارت یادشده شده (عبارت‌های مندرج در متون علمی)
حمایت از بخش‌های حساس و قرمز صنعتی	(قاضی نوری و قاضی نوری ۱۳۹۱: ۸۲)	برای جامه عمل پوشاندن به دغدغه‌های ارزیابی فناوری سازنده، تمرکز سیاست‌های دولتی بر نیچ‌های فناورانه ^۱ ضروری است. نیچ به فناوری‌هایی گفته می‌شود که در فضای حمایتی ...
ایجاد شرکت‌های زایشی	(فولادی و مهدی‌نژاد ۱۳۹۴)	تحقق رویکرد هسته و شبکه در عرصه وزارت دفاع موضوع پرچالشی است که تحقق آن نیازمند ایجاد شبکه‌ای از شرکت‌هایی است که بخشی از آنها به شکل شرکت‌های زایشی ^۲ از متن صنایع دفاعی به وجود می‌آید...
کاهش تصدی دولتی	(Masayuki 2001)	حرکت از تصدی‌گری حداکثری به سمت شبکه‌محور شدن و استفاده حداکثری از شبکه صنعتی کشورها ...
سطح‌بندی (رنگ بندی) صنایع بر اساس حساسیت و راهبردی بودن	(Masayuki 2001)	به جای تأمین مالی کل زنجیره باید سیاست‌هایی را اتخاذ کرد که بر بخش‌های خاصی و مهم زنجیره تأکید نمود ...
واگذاری مالکیت صنایع غیرحساس دولتی	(OECD 1999)	دولت برای پیشبرد منافع عمومی، مالکیت بنگاه‌ها را برعهده دارد و باید مستمراً به ارزیابی و انتشار دلایل ادامه مالکیت بپردازد.

۱ مفهوم نیچ فناورانه (Technological Niches) با نیچ بازار (Market Niche) (به معنای بازار اختصاصی) کاملاً متفاوت است. این مفهوم در آثار گیل (Geel) با عنوان دیدگاه چند لایه‌ای (Multi-level perspective) نسبت به فناوری و نوآوری تبیین بهتری شده که درصدد بیان پیچیدگی تغییرات اجتماعی و فنی است. لایه‌های سه‌گانه این الگو عبارت است از: زمینه و بستر اجتماعی و فنی حاکم (socio-technical Landscape) و رژیم اجتماعی و فنی حاکم (socio-technical regime) و نیچ‌های فناوری (niches) که عوامل رشد و تحول در فناوری است. (Geels, 2010: 495) ماهیت نیچ‌های فناوری عبارت است از فناوری‌های نوظهور و بدیعی که به صورت بالقوه امکان ایجاد تغییرات در رژیم حاکم فناوری (technical regime) داشته و منجر به تحقق توسعه پایدار می‌شود (Schot and Geels 2008).

2. Spin off

۲. مرحله دوم: پیشنهاد سیاست‌های صنعتی بر اساس اقتضائات داخلی وزارت دفاع برای «ارائه سیاست‌های مناسب سازمان‌های صنعتی فعال در حوزه دفاعی بر اساس اقتضائات بیان شده در ابتدای مقاله» از روش کیفی و تحلیل خبرگی در قالب گروه کانونی استفاده شد. از مهم‌ترین اقدام‌های این مرحله کدگذاری سخنرانی‌های غیرمحرمانه وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح بود که گزیده‌ای از آن در جدول زیر نشان داده می‌شود:

جدول شماره (۶) نمونه‌ای از جدول تحلیل داده بنیاد برای مرحله سوم

کدگذاری باز	عبارت یادشده
توانمندی مدیران برای ایجاد ظرفیت جدید	یکی از مهارت‌های مهم مدیران، خلق ظرفیت‌های جدید در سازمان است نه صرفاً بهبود کاستی‌های ظرفیت موجود/ یکی از توانمندی‌های بسیار مهم در تولید صنایع دفاعی، توانایی مدیریت پروژه است
قابلیت‌محوری در برنامه‌ریزی	ودجا در رویکرد نوین خود، ایجاد و توسعه قابلیت‌ها در تمام ابعاد سخت و نرم را مدنظر دارد
تاب‌آوری سازمانی	معرف سازمان، عنصر تاب‌آوری سازمانی است، به این معنا که تغییرات شرایط محیطی، سرعت تغییرات و پیچیده تر شدن محیط و حتی فشرده تر شدن فضای رقابتی، نباید شرایطی را بر سازمان تحمیل کند که سازمان ناتوان از پیگیری اهداف پایه‌ای باشد
هوشیاری نسبت به محیط	کیفیت محصول معمولاً در فضای بازار رقابتی مطرح می‌شود و معنا می‌یابد/ برای توسعه نوآوری، سازمان باید دارای یکسری توانمندی‌هایی باشد / همه عناصر سازمانی باید دارای قابلیت باشد که قادر باشند در کوتاه‌ترین بازه زمانی و با درک درست از تغییرات محیطی واکنش سریعی از خود نشان دهند
هوشمندی در اولویت بندی و توجه همزمان به تصمیمات ایجابی و سلبی	راهبرد فقط جنبه ایجابی ندارد، بلکه کارهایی را که نباید انجام داد نیز مشخص می‌نماید/ بودجه-ریزی به معنای پخش پول در سازمان نیست، پخش پول هنر نیست، بلکه تخصیص منابع یعنی پول دادن به جاهایی که باید و ندادن به جاهایی که نباید
نوآوری	سازمان باید همواره رو به تعالی و نو شدن باشد و این نو ماندن با شرایط هر مقطع زمانی تناسب دارد/ در مسیر نوسازی سازمان همواره باید مراقب بود که این پیچیدگی‌ها ما را دچار در هم تنیدگی نکند، در این صورت مرگ نوآوری بروز خواهد کرد.
توسعه تحقیقات دفاعی	در صنایع دفاعی یک ظرفیت بزرگ تحقیقاتی و صنعتی وجود دارد که باید به آن توجه کرد/ توسعه پژوهش‌ها و پروژه‌های تحقیقاتی که به نتایج مشخصی دست می‌یابند، یک ضرورت است
پایبندی به قراردادهای دفاعی	به دلایل مختلفی تعهدات و قراردادهای عملی نشده است/ این موضوع سبب بروز فاصله جدی میان طرفین شده و کل نظام (سیستم) را دچار مشکل نموده است.
جلب مشارکت ذینفعان کلیدی در تصمیم‌گیری‌ها	سازمان‌های زیرمجموعه هر یک باید درگیر تدوین سند باشند و افرادی که قرار است با این الگو کار کنند، نقش خود را با انگیزه ایفا کنند/ در سطح کل سازمان تقریباً می‌توانم ادعا کنم با مدیران، کارشناسان نخبه و سرآمدان همه مجموعه‌ها جلسات تبیین اهداف و برنامه‌ها را برگزار نمودیم.
چابک‌سازی ستاد و تمرکز بر صف	بر مبنای این طرح، سازمان ستاد تقریباً به ۳۰ درصد خود تقلیل یافته است/ این به معنای بی‌توجهی به عزیزان همکار نیست، بلکه به معنای بالنده کردن سازمان است/ آنچه مهم است عملکرد بالا و عالی قسمت صف یا همان سرانگشتان سازمان‌های صنعتی، آموزشی و تحقیقاتی است. به این منظور ستاد باید تسهیل کننده آن فعالیت‌ها باشد

کدگذاری باز	عبارت یادشده
تأکید بر پروژه‌های کلیدی	انرژی و تلاش را باید معطوف به ثمر رساندن پروژه‌های اصلی سازمان نمود.
رنگ‌بندی فناوری و خلق ظرفیت‌های جدید	نکته بعد توانمندی در خلق ظرفیت‌های جدید است، مانند بحث فناوری‌های قرمز که انشا... هر روز کشور آن قدر توسعه فناورانه نماید که این فناوری‌ها محدودتر شود/ باید بتوان برای رفع نیاز سازمان، آنها را در نظام سازمانی خلق نمود.
محوریت پلتفرم‌ها در تحقیق و توسعه	تحقیقات نیز حتماً باید منجر به یک نمونه و پلتفرم اولیه گردد/ دفاتر طراحی بایستی پلتفرم‌هایی که متکی بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های فناورانه مجموعه باشد را طراحی کنند
محوریت پلتفرم‌ها در تولید دفاعی و صنعتی	در نوآوری حتماً باید به سمت توسعه پلتفرم‌ها حرکت کرد؛ چرا که پلتفرم‌ها زمینه ارتقا و قابلیت پشتیبانی دارد/ در موضوع الگوی سلاح که در مجموعه نیروهای مسلح پذیرفته شده نیز این‌گونه است.

پس از کدگذاری باز انجام شده، منطق کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده، سیاست‌های صنعتی پیشنهادی برای سازمان‌های صنعتی دولتی و دفاعی در سه محور سامان یافت. افزون بر سیاست‌های صنعتی، سیاست‌های مدیریتی خاصی نیز لازم است تا بستر تحقق سیاست‌های صنعتی را فراهم نماید که این موارد نیز در پنج محور طبقه‌بندی شد. جدول زیر نشانگر موارد یادشده می‌باشد.

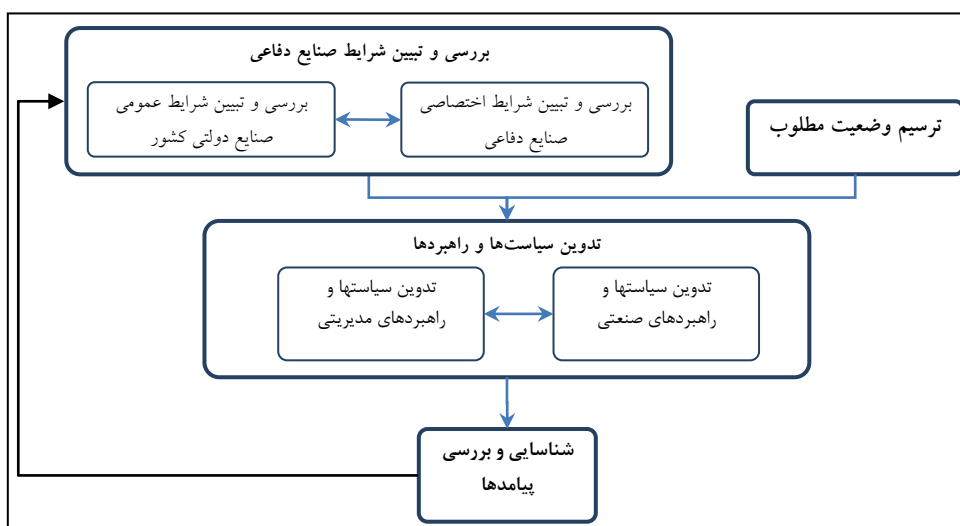
جدول شماره (۷) سیاست‌های پیشنهادی

اتخاذ سیاست هسته و شبکه	سیاست‌های صنعتی
ایجاد اتحاد راهبردی با صنایع همسوی داخلی	
نگاه پلتفرمی (خانواده محصول) به مقوله طراحی و تولید محصولات و سامانه‌ها	
هوشمندی محیطی	سیاست‌های مدیریتی
نیازسنجی و برنامه‌ریزی قابلیت‌محور	
ایجاد سازمان‌های چابک، منعطف و تاب‌آور	
حفاظت و صیانت هوشمندانه از سطح علم، فناوری و نوآوری مورد نیاز و توانمندسازی روزافزون مدیران	
اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای اختصاصی برای هر صنعت	

۴. نتیجه گیری

۴-۱. جمع بندی

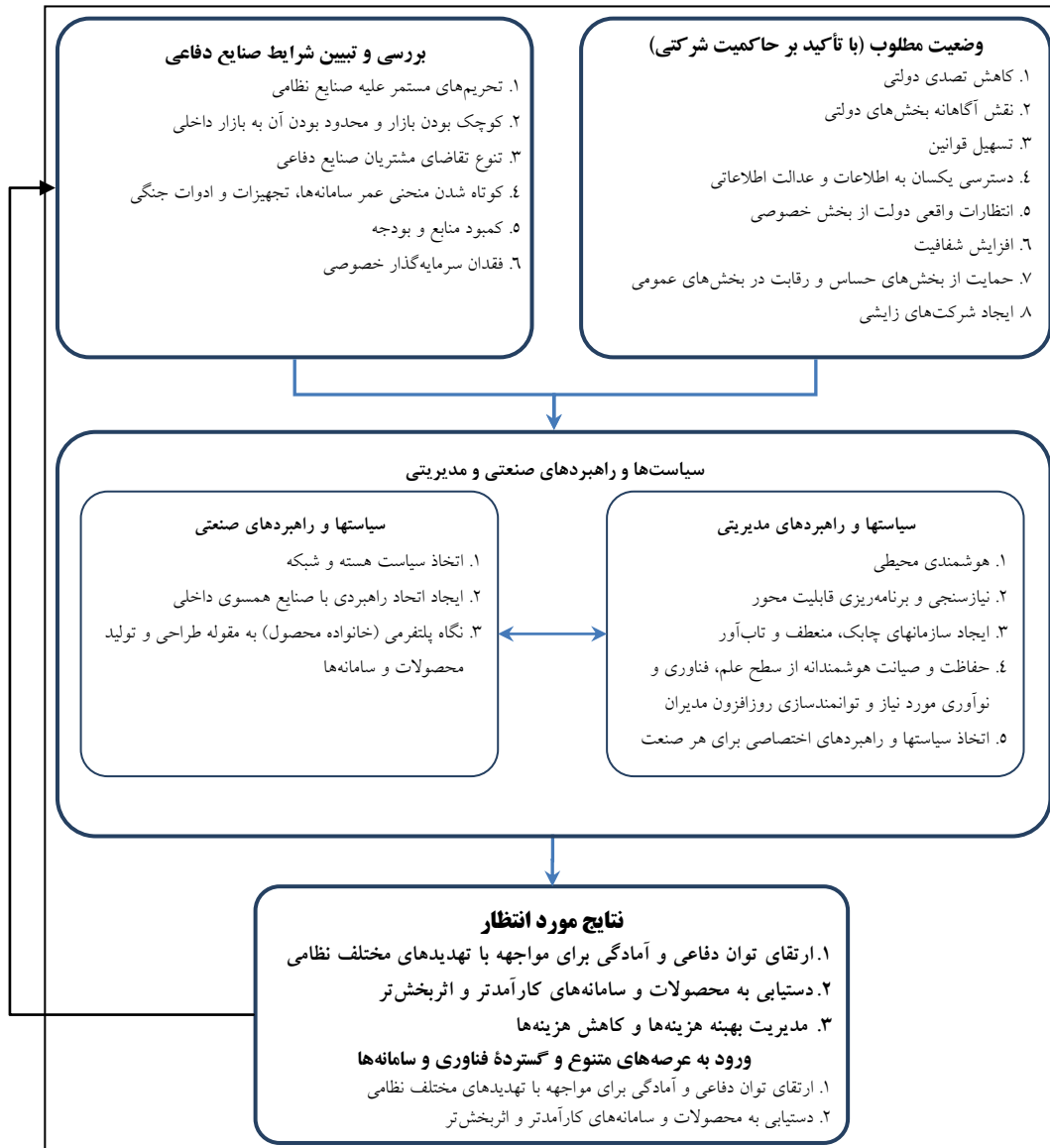
پژوهش حاضر از نوع اکتشافی بوده، بنابراین به جای آزمون یک فرضیه، به دنبال کشف سیاست‌های متناسب برای سازمانی صنایع دفاعی می‌باشد. به همین دلیل از روش داده بنیاد استفاده کرد. رویکرد انتخاب شده «گلیزری» بوده که برخلاف رویکرد «استراوس و کوربین» محدودیت‌های نظام‌مند آن را نداشته و امکان نوآوری بیشتری را فراهم می‌کند. در این مسیر پس از انجام مراحل که پیشتر اشاره گردید، الگوی زیر به عنوان الگوی سیاستگذاری صنعتی برای سازمان‌های دفاعی استنباط شد:



شکل شماره (۱) الگوی مفهومی مستخرج با رویکرد گلیزر و استراوس

۴-۲. پاسخ به پرسش اصلی

بر اساس تحلیل‌های انجام شده، پاسخ به پرسش اصلی تحقیق (سیاست‌های صنعتی صنایع دفاعی ج.ا.ایران کدامند؟) به صورت زیر قابل ارائه است:



شکل شماره (۲) نتایج حاصل از اجرای الگو با رویکرد گلیزر و استراوس

۳-۴. پیشنهادها

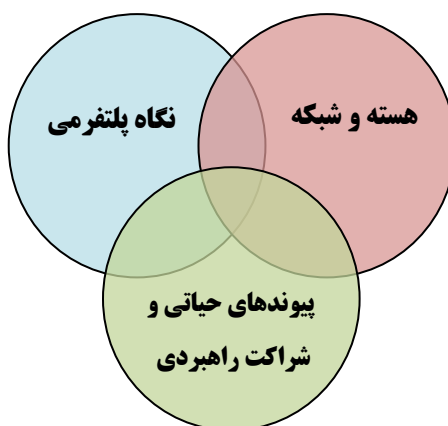
سیاست‌های صنعتی پیشنهادی برای سازمان‌های دولتی و دفاعی به شرح زیر می‌باشد:

(۱) اتخاذ سیاست هسته و شبکه: در این سیاست از تأمین مالی برای «کل زنجیره ارزش» به سمت «گلوگاه‌های صنعتی و فناوری» حرکت کرده و به واسطه کاهش هوشمندانه تصدی دولتی و استفاده از شبکه شرکت‌ها و سازمان‌های توانمند کشور، به سمت تمرکز بر اهداف اصلی و گلوگاه‌های صنعتی می‌رویم. دولت باید به عنوان مالکی آگاه و فعال عمل نموده و مطمئن شود که بنگاه‌های دولتی به گونه‌ای شفاف، مسئولانه، حرفه‌ای و اثربخش اداره می‌شوند. دولت‌ها باید چارچوب حقوقی و قانونی حاکم بر بنگاه‌ها را ساده و استاندارد کرده و بنگاه‌های دولتی نیز باید طبق هنجارهای پذیرفته شده حاکمیت شرکتی کار کنند. از زمینه‌سازهای مهم این سیاست، سطح‌بندی (رنگ‌بندی) صنایع بر اساس حساسیت و راهبردی بودن آنها است.

(۲) ایجاد اتحاد راهبردی با صنایع همسوی داخلی: هر چند این سیاست به نوعی در دل سیاست هسته و شبکه نهفته است، ولی به دلیل اهمیت بسیار آن به صورت مستقل بیان می‌گردد. گسترش ارتباط با شرکت‌های تولیدی در سطوح بالای TRL و نیز ایجاد شراکت‌های راهبردی با دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی در جهت تحقیقات دانش‌محور در سطوح پایه‌ای‌تر TRL از ویژگی‌های این سیاست می‌باشد.

(۳) نگاه پلتفرمی (خانواده محصول) به مقوله طراحی و تولید محصولات و سامانه‌ها: در این سیاست باید تلاش شود تا به جای اینکه طراحی و ساخت هر سامانه و محصولی به صورت اختصاصی و بدون توجه به ویژگی‌های محصولات مشابه صورت گیرد، با یک دید نظام‌مند دنبال طراحی خانواده محصول و پلتفرمی بود. از مزایای این سیاست، کاهش قابل توجه هزینه‌ها و

ایجاد زمینه بهبود و ارتقای محصول می‌باشد. از پیامدهای مهم این سیاست، امکان مشترک‌سازی (Commonality) قطعات و اجزای یک محصول و سامانه بوده که این امر نیز به نوبه خود تأثیر به‌سزایی در کاهش هزینه‌ها و ارتقای سریع محصول ایفا می‌کند. سیاست‌های صنعتی سه‌گانه یادشده را می‌توان در شکل زیر نشان داد:



شکل شماره (۲) سیاست‌های صنعتی پیشنهادی

افزون بر سیاست‌های صنعتی بالا، سیاست‌های مدیریتی خاصی نیز لازم است تا بستر تحقق سیاست‌های صنعتی را فراهم نماید. مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

(۱) هوشمندی محیطی: وجود حساسیت نسبت به تحولات محیطی و شناسایی و بهره‌برداری مناسب از فرصت‌های پیش‌روی محیطی از لوازم مهم اجرایی شدن سیاست‌های صنعتی اشاره شده می‌باشد.

(۲) نیازسنجی و برنامه‌ریزی قابلیت‌محور: مباحث مربوط به نظام نیازسنجی در عرصه دفاعی، در حوزه مباحث کلان «نظام اکتساب»^۱ طرح می‌شود. در این

رویکرد باید به جای تمرکز بر «تهدیدمحوری»^۱ بر «قابلیت محوری»^۲ توجه شود. این نظام دارای فرایند «بالا به پایین» بوده و قابلیت‌هایی را که نیروهای نظامی برای انجام مأموریتشان نیاز دارند، شناسایی، ارزیابی و اولویت‌بندی می‌کند. این ویژگی در نظام نیازسنجی و برنامه‌ریزی قابلیت محور کشورهای غربی دیگر نیز مشهود است.

۳) ایجاد سازمان‌های چابک، منعطف و تاب‌آور: با توجه به سیاست صنعتی «هسته و شبکه» سازمان‌های صنایع دفاعی باید از چابکی و چالاکی لازم برخوردار باشند تا بتوانند به‌درستی هسته خود را در اوقات مختلف شناسایی و بازتعریف کرده و با شبکه توانمند بیرونی به‌صورت منعطفی ارتباط برقرار نمایند. در این مسیر شاید استفاده از ساختارهای سازمانی شبدری^۳ راهگشا باشد.

۴) حفاظت و صیانت هوشمندانه از سطح علم، فناوری و نوآوری مورد نیاز و توانمندسازی روزافزون مدیران: رویکرد بخش‌های مختلف با توجه به نیازها و اقتضات جدید باید به‌روز شود؛ در غیر این صورت با رویکردهای سنتی نمی‌توان در عرصه اقتضات نوین دانشی موفقیت‌های مورد نیاز را کسب کرد. باید در کنار رویکرد سنتی حفاظت اطلاعاتی (که البته هنوز نیاز می‌باشد) سیاست حفاظت و صیانت هوشمندانه از سطح علم، فناوری و نوآوری و کارکنان دانشی را در نظر گرفت. بار اصلی تحقق اهداف سازمان برعهده پژوهشگران خبره و مهندسان و طراحان خلاق می‌باشد که محافظت از تراز برخورداری از این نوع کارکنان لازمه تحقق اهداف است.

۵) اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای اختصاصی برای هر صنعت: یکی از اشتباه‌های متداول در سطوح کلان دولتی این است که سیاستگذاران بدون توجه و

1 Threat Base

2 Capability Base

3 Shamrok structure

لحاظ به تفاوت‌ها و اقتضائات اختصاصی هر حوزه‌ای، سیاست و ضابطه کلی را برای تمامی زیرمجموعه خود ابلاغ می‌نمایند. باید رویکرد سیاستگذاران تغییر کرده و با واکاوی عمیق اقتضائات هر صنعتی، الگوی متناسب و اثربخش آن‌را تدوین و ابلاغ نمایند، نه اینکه با ساده‌سازی مسئله به سمت «اتخاذ الگوهای عمومی برای صنایع مختلف» بروند.

طبق تحلیل‌های صورت گرفته توسط گروه پژوهشی، در صورت اتخاذ این سیاست‌ها امید است که پیامدهای زیر حاصل گردد. گفتنی است برای تدوین این پیامدها، از دو مرحله انجام شده در تحقیق («مطالعه ادبیات نظری» و «بررسی رویکردهای حوزه وزارتی وزارت دفاع») بهره گرفته شده است:

۱) دستیابی به محصولات و سامانه‌های کارآمدتر و اثربخش‌تر: باتوجه به صبغه این سیاست‌ها (که در عرصه صنعتی است) اولین دستاورد آن تسهیل دستیابی به محصولات و سامانه‌های کارآمدتر و اثربخش‌تر است. مجموع سیاست‌های مدیریتی و صنعتی مطرح شده کمک می‌نماید تا بتوان به سامانه‌های پیشرفته‌تر در زمان کوتاه‌تری دسترسی پیدا کرد.

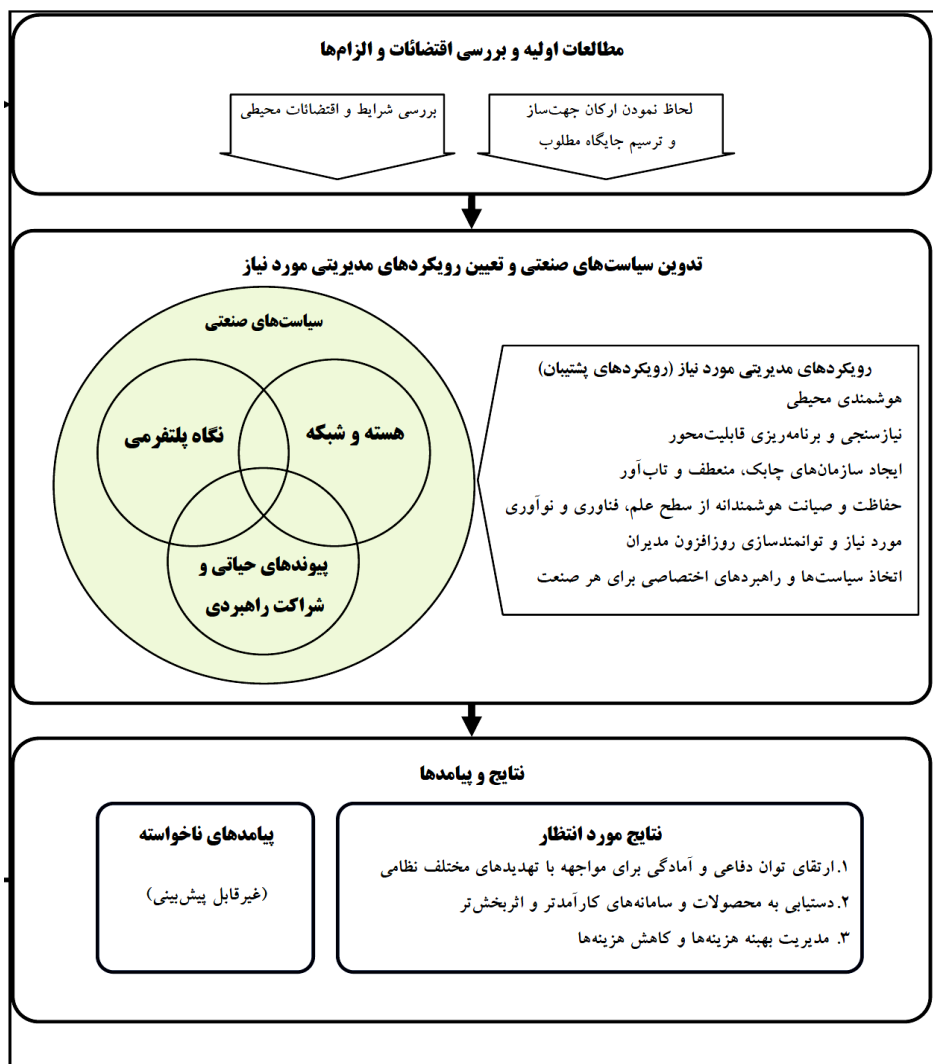
۲) ارتقای توان دفاعی و آمادگی برای مواجهه با تهدیدهای مختلف نظامی: یکی از اصلی‌ترین انتظارات اعمال سیاست‌های یادشده، ارتقای توان دفاعی و آمادگی نیروهای مسلح برای رویارویی با تهدیدهای مختلف نظامی است. البته در کنار آن (و مهم‌تر از آن) توان بازدارندگی می‌باشد.

۳) مدیریت بهینه هزینه‌ها و کاهش هزینه‌ها: مدیریت هزینه‌ها موضوع بسیار حیاتی است؛ سیاست‌های یادشده به‌ویژه سیاست «هسته و شبکه» و «اتحاد راهبردی» کمک می‌کند تا هزینه‌ها با هوشمندی بالایی انجام شده و از هزینه‌های فاقد ارزش آفرینی اجتناب کرد.

۴) ورود به عرصه‌های متنوع و گسترده فناوری و سامانه‌ها: باتوجه به پیامد قبلی (مدیریت بهینه هزینه‌ها) این امکان فراهم می‌گردد تا فناوری‌ها و سامانه‌های متنوعی در دستورکار سیاستگذاران و مسئولان دفاعی قرار گیرد. امروزه شاهد افزایش روزافزون پیچیدگی و تنوع در محصولات دفاعی در کل دنیا هستیم که سیاست‌های اتخاذ شده کمک می‌کند تا امکان ورود به بیشتر این حوزه‌ها مهیا گردد.

۵) پیامدهای ناخواسته: هرچند عنوان این محور نشانگر غیرقابل پیش‌بینی بودن آن می‌باشد، لیکن با توجه به احتمال بروز چنین امری در سیاست‌های مختلف، سازوکاری برای پویا بودن فرایند سیاستگذاری در نظر گرفته می‌شود که ضمن شناسایی و بازخورد پیامدهای ناخواسته^۱، اقدام به اعمال تغییرات لازم در سیاست‌های اصلی یا اجزای مربوط به هر سیاست نمود.

با توجه به مزیت‌های رویکرد «گلیزری» و انعطاف موجود در آن، مفاهیم یادشده را می‌توان در شکل زیر نشان داد (البته در این مقاله، قسمت میانی الگو بیشتر مورد تأکید بوده است. پیشنهاد می‌شود سایر بخش‌ها در پژوهش‌های دیگر مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد):



شکل شماره (۴) مراحل سیاستگذاری صنعتی در سازمان‌های حساس دولتی با تمرکز بر سازمان‌های صنایع دفاعی

فهرست منابع

۱. اشترینان، کیومرث، (۱۳۸۶)، *سیاستگذاری عمومی در ایران*. تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۲. اشترینان، کیومرث و حنا محمدی، (۱۳۸۹)، نقش دایرکتوری‌های در سیاستگذاری صنعتی، *فصلنامه توسعه تکنولوژی*، شماره ۱۳.
۳. امامی، سیدمجتبی، (۱۳۸۵)، پرسش‌ها و جهت‌گیری‌های اصلی تئوری‌های تغییر سازمانی، تهران، *پایان‌نامه دانشگاه امام صادق (ع)*.
۴. ایزدخواه، روح‌ا... و سیدمحمدرضا رضوی، (۱۳۹۲)، مقایسه نظریات مکاتب اقتصادی منتخب به‌منظور استخراج چارچوب نظری سیاست‌های صنعتی، *فصلنامه سیاست علم و فناوری*.
۵. برادران کاظم‌زاده، رضا، سیدحیب‌الله طباطبائی‌ان و مجید حسنی‌پارسا، (۱۳۸۳)، پیشنهاد مدل عمومی سیاستگذاری صنعتی با تأکید بر صنعت الکترونیک، *فصلنامه مطالعات مدیریت صنعتی*، شماره ۵.
۶. براون، ارنست، (۱۳۸۲)، *ارزیابی و پیش‌بینی تکنولوژی*، ترجمه عقیل ملکی‌فر و علیرضا بوشهری، تهران، نشر کرانه علم.
۷. فولادی، قاسم و محمد مهدی‌نژادنوری، (۱۳۹۴)، نقش عوامل سازمانی در موفقیت شرکت‌های زایشی در صنایع دفاعی، *فصلنامه بهبود مدیریت* شماره ۲۹.
۸. قاضی‌نوری، سیدسپهر و سیدسروش قاضی‌نوری، (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر سیاستگذاری علم فناوری و نوآوری*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۹. قلی‌پور، رحمت‌ا...، (۱۳۸۷)، *تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران، انتشارات سمت.
۱۰. گرنت، رابرت، (۱۳۹۳)، *تحلیل استراتژی در عصر حاضر*، ترجمه بیژن نیاوندی، نوید جعفری-نژاد، ا...وردی تقوی و عادل آذر، تهران، مؤسسه رسا.
۱۱. لهله، جی، (۱۳۹۰)، *فناوری‌های راهبردی نظامی*، ترجمه محمدحسن شاه رضایی و محمد اورنگ، تهران، مرکز آینده‌پژوهشی علوم و فناوری‌های دفاعی.
۱۲. منزوی، کیوان و فرهاد نظری‌زاده، (۱۳۸۶)، *روندهای استراتژیک جهانی مؤثر بر دفاع و امنیت در افق زمانی ۲۰۰۷ الی ۲۰۳۶*، تهران، مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاع.

۱۳. نبوی، سیدمرتضی و محمدحسین ملایری، (۱۳۸۵)، درآمدی بر سیاستگذاری صنعتی در ایران، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، شماره ۲۱.
۱۴. وزارت دفاع آمریکا، (۱۳۸۷)، *راهبرد دفاع ملی ایالات متحده آمریکا*، ترجمه مسعود منزوی، تهران، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
15. Aghion, Philip, (2015), Industrial policy and competition, *American Economic Journal: Macroeconomics* 7.
16. Baily, David & Alex Ruyter, (2007), Globalization, economic freedom and strategic decision making, A role for industrial policy, *Policy studies* 28.
17. Cordesman, Anthony & Michael Peacock, (2015), *Military Spending and Arms Sales in the Gulf*, official, center for strategic and international studies.
18. Eichengreen, Barry, (2015), *The Korean economy: from a miraculous past to a sustainable future*. Mass Harvard East Asia center.
19. Ferguson, p & G Ferguson, (1994), *The foundation of industrial policy in industrial Economics*. London: McMillan.
20. Geels, Frank W, (2010), Ontologies, socio-technical transitions (to sustainability), and the multi-level perspective, *Research Policy*.
21. Glaser, B, & A Straus, (1967), *The discovery of grounded theory*. Chicago: Aldine Press.
22. Hobday, M, (2002), *Technology needs assessment (TNA) for developing countries*, Vienna: UNIDO.
23. Howlett, Michael & M. Ramesh, (2009), *Studying Public Policy* 3, Oxford New York University Press.
24. Kim, Linsu, (1997), *Imitation to Innovation: the Dynamics of Korea's Technological Learning*, Boston: Harvard Business School Press.
25. Lall, S, (2000), *Selective Industrial and trade policies in developing counties: Theoretical and empirical issues*. University of Oxford.
26. Lall, Sanjaya & Morris Teubal, (2001), *Market Stimulating Technology policies in developing countries: A framework with examples from East Asia*. UNIDO.
27. Ling, chen & Barry Naughton, (2016), An industrialized policy making mechanism, China's return to techno-industrial policy, *Research policy* 45.

28. Masayuki, Kondo, (2001), Networking for Technology Acquisition and Transfer." In *Management of technology: Selected Discussion Papers presented at the Vienna Global Forum*, Vienna : UNIDO.
29. Mingo, Santiago, & Tarrun Khanna, (2013), Industrial policy & the creation of new industries: evidence from Brazil's bioethanol industry, *Industrial and corporate change* 23.
30. OECD, (1999) *Principles of corporate governance*. Paris: Organization of Economic Co-operation and Development.
31. Prince, Russel, (2010), Policy transfer as policy assemblage: making policy for the creative industries in New Zealand, *Environment and Planning* 42.
32. Schot, Johan & Frank Geels, (2008), Strategic niche management and sustainable innovation journeys: theory, findings, research agenda, and policy, *Technology Analysis & Strategic Management* 20.
33. Shafritz, J & Christopher Borick, (2008), *Introducing Public Policy*. New York: Longman.
34. Strauss, A & J. Corbin, (1998), *Basics of qualitative research*. Newbury Park, CT: Sage Publications.
35. Wang, Huanming, Xiong Wei, Wu Guangdong, & Dajian Zhu, (2017), Public-private partnership in Public Administration discipline: a literature review, *Public Management Review* (Routledge: Taylor & Francis Group).

